

اقلیتی از حوزویان و روشکسته پیرامون حکم اعدام مزدوران نظرات عجیبی اظهار کردند| قطع انگشتان یک دست و پای مخالف می‌تواند اثربخش باشد.

مجازات تبعید بی‌خاصیت است و نتیجه وارونه می‌دهد؛



جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در بیانیه ای تاکید کرد:

قدرشناسی و سپاس خود را از قوه قضائیه در محاکمه، صدور حکم و اعدام محاربین و مفسدین باغی اعلام و قاطعانه از مسئولین این قوه می‌خواهیم که با قاطعیتی به‌مراتب بیشتر و راسخ‌تر، حقوق عموم مردم و پاسداری از وحدت ملی را با اعدام عبرت‌آموز محاربین از جمله عوامل شهادت مولوی عزیز عبدالواحد ریگی استیفا نمایند و صدای اقلیت معلوم‌الحال در داخل کشور که از بلندگوهای غرب پخش می‌شود را صدای اکثریت طالب امنیت نشنوند.  
به گزارش اسپادانا خبر، در بیانیه مجمع عمومی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم آمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ \* أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ» [سورة البقرة 11 - 12]

«قانون و حکم قاضی تنها معیار اقدام و فصل الخطاب»

احترام و حفظ جان و آبرو و حتی مال انسان در اسلام به طرق گوناگون مورد تأکید و عنایت قرار گرفته است. بر این اساس در شناخت و تشخیص مجرم و مراتب مجازات او، باید نکاتی موردتوجه قرار گیرد:

۱- در تشخیص مجرمان محارب و مفسد باید با دقت و حساسیت عمل شود تا به‌ناحق کسی تنبیه نگردد. به همین دلیل قاضی معیار تشخیص قرار گرفته است.

۲- اما پس از آنکه موضوع جرم محاربه و فساد با ادله قانونی و عقلایی اثبات شد قاضی با لحاظ شرایط عبرت‌آموزی و تأثیر هر چه بیشتر بازدارندگی در جامعه (که موردپذیرش عقلا است)، مراتب مجازات از پایین‌ترین تا بالاترین را تعیین می‌کند. به همین دلیل در ایران و کشورهای دنیا قانون در همه مراحل صدور حکم، تشخیص نهایی را به نظر قاضی واگذار کرده است البته می‌دانیم که قضات در مسائل حساس و پیچیده مشورت و تحقیق لازم و وافق را لحاظ می‌کنند. مسئولین مرتبط نیز پشتیبانی لازم و بدون مداخله را در شرایط حساس انجام می‌دهند اما در تشخیص نوع و کیفیت جرم و حکم آن

۱- گاهی ترساندن و ایجاد رعب و وحشت در گوشه‌ای از جامعه و بدون دخالت رسانه و نیز بدون ترویج ترس و وحشت صورت می‌پذیرد.

۲- گاهی باهدف ایجاد ترس و ایجاد احساس ناامنی در جامعه و علم به انعکاسش در داخل و خارج کشور صورت می‌پذیرد. بدتر از آن گرفتن فیلم و انتشار آن در فضای مجازی و ارسال (مستقیم یا غیرمستقیم) آن به رسانه‌های بیگانه و معاند است. در فضای اغتشاشات، اغتشاش‌گران با علم و آگاهی از روش‌های دشمن در ترویج خشونت و ایجاد ترس و ناامن کردن و ناامن جلوه دادن ایران اسلامی (هرچند مرتکب قتل نشوند) با آگاهی و اراده دشمنان را در رسیدن به این هدف و تحمیل هزینه‌های سنگین آن به مردم ایران یاری کردند. شکل اول ایجاد رعب با مجازات پایین‌تر مثل قطع انگشتان یک دست و پای مخالف می‌تواند اثربخش باشد ولی مجازات تبعید در شرایط کنونی بی‌خاصیت و بلکه نتیجه وارونه می‌دهد زیرا نه تنها در تبعید هزینه سنگین و عبرت‌آموز برای پیشگیری از ارتکاب جرم نیست بلکه تبعید به خارج (که در ظاهر دوری از وطن است) موجب پشتیبانی (مالی زیاد و غیرمالی) معاندین و دشمنان از مجرم و سوءاستفاده رسانه‌ای از وی می‌شود. طبیعی است که این چنین تبعیدی برای برخی از مجرمان، جذاب و مشوق به ارتکاب جرم بیشتر باشد نه بازدارنده. تبعید مجرم محارب در داخل کشور نیز ممکن است با حمایت مالی و روحی معاندین بی‌اثر و بلکه برای مجرم جذاب باشد مثل اینکه وقتی مردم از قوه قضائیه خواستند تا اموال سلبریتی‌های معاند و مروج ناامنی را مصادره کند حامیان آنان گفتند ما چند برابر آن را به جبران در اختیار مجرم می‌گذاریم اما شکل دوم ترساندن (حتی اگر ترساندن بدون قتل و به هر شکلی باشد) باید درس عبرتش به تناسب سنگینی هزینه‌های روانی و اجتماعی وارد بر مردم، هزینه‌های حیثیتی تضعیف‌کننده جایگاه تأثیرگذاری ایران در جهان، ایجاد مانع بر سر راه رشد کشور، درگیر کردن حاکمیت و دولت به رفع آثار خشونت و اغتشاشات و در مقابل، کم شدن تمرکز بر رفع مشکلات به‌ویژه مشکلات اقتصادی و معیشتی، باشد. ترساندن نوع دوم (هرچند بدون قتل و جرح باشد)، مجازات تبعید نه تنها بازدارنده نخواهد بود بلکه چه‌بسا عامل تشویق کسانی که مستعد ارتکاب جرم هستند نیز باشد.

«قضاوت‌های وارونه و دشمن‌شاد کن»

اقلیتی از حوزویان و روشکسته سیاسی، اعتقادی و اخلاقی، پیرامون حکم اعدام مزدوران ناامن‌ساز جامعه و قاتلین شهدای امنیت، مطالب و نظرات عجیبی را اظهار کردند. وقتی در محتوای دیدگاه‌های این افراد و گروه‌های همسو با دشمن استکباری دقت نماییم احساس می‌شود که گویا این موضع‌گیری‌ها در اتاق فکر آمریکا، انگلیس و رژیم غاصب صهیونیسم باهدف اسلام و ایران هراسی و شیعه ستیزی تنظیم شده است زیرا هیچ تفاوت ماهوی و حتی ساختاری بین مطالب رسانه‌های درنبرد با جمهوری اسلامی و آنچه از این عده قلیل خودباخته و واگرا صادر شده است وجود ندارد البته یک تفاوت را می‌توان مشاهده نمود و آن اینکه این مواضع و بیانی‌ها از قم صادر شد نه از خارج ایران! تحریف روح آیات و احادیث و نیز تطبیق وارونه احکام اسلام بر موارد و مصادیق باهدف انحراف افکار عمومی و نیز شکستن تمرکز دولت و سایر دستگاه‌ها بر رفع مشکلات اقتصادی و معیشتی (البته با پوشش فریبکارانه دفاع از حقوق ملت)، وجه شاخص دیگر این موضع‌گیری‌ها است. تحریف صریح و واضح حکم محاربین و تطبیق وارونه مصادیق آن بر کسی پوشیده نیست عجیب‌تر آنکه ایجاد رعب و وحشت توسط ارادل و اوباش، از شکنجه، آزار، تخریب اموال عمومی و اموال مردم، تهدید و اجبار علنی بازاریان به تعطیل کردن کسب‌وکار، کشتار بی‌رحمانه و وحشت‌آور مردم شاه‌چراغ، تهدید کامیون‌داران در جاده‌ها و ... که اغتشاش، محاربه، فساد و بغی علنی اندکی فریب‌خورده یا شرور بود را اعتراض و نارضایتی اکثریت مردم کشور علیه نظام جمهوری اسلامی نامیدند! شکنجه و شهید کردن آرمان عزیز (که مثل گفتارها بر سرش ریختند)، شهید عجمیان (که با بستن اتوبان کرج و ایجاد رعب و وحشت، مظلومانه و با وضع دلخراشی به هر جای بدن او ضربه می‌زدند)، دو بسیجی شهید مشهد (که محارب قاتل با زدن چندین ضربه چاقو پیاپی، وحشت عجیبی در دل مردم انداخت)، به رگبار بستن زائرین شاه‌چراغ (شهید شدن دانشمند نخبه و جاری شدن مستمر اشک‌های آرتین مظلوم) و ربودن و شهید کردن مظلومانه روحانی اهل سنت جناب مولوی عبدالواحد ریگی را دفاع قاتلان محارب از خود القا می‌کنند!!! ولی برخورد نظام با این جنایت‌کاران (که ایجاد ترس و ناامنی یکی از جلوه‌های جنایت آنان است) را بی‌عدالتی و ناتوانی نظام، معنا می‌کنند! درحالی‌که علی ع فرمودند: «زنهار که خونی را به ناحق بریزد؛ زیرا هیچ چیز به اندازه خونریزی ناروا خشم و انتقام الهی را نزدیک نمی‌کند و بدفرجام نیست و نعمت را زایل نمی‌کند». دقت در این موارد جایی برای نقد علمی مواضع افراد و گروه‌های موقعیت طلب و مقام‌پرست یا واگرا یا هم‌پیمان با غرب، باقی نمی‌گذارد زیرا علم و فهم دینی را از اساس در بیانی‌ها و مواضع خود (هرچند تحت پوشش استدلال مغالطه آمیز دینی و عقلی باشد) منتفی ساخته‌اند. بنابراین جنبه‌های ضد ارزش دینی و انسانی به‌ویژه جنبه ضد عاطفه و فاقد وجدان مداری این ره زنان در دیدن صحنه‌های جنایت و ایجاد وحشت و خشونت محاربین روح حاکم بر مواضع این اقلیت تهی از اخلاق و انصاف را شکل می‌دهد نه بیشتر! خداوند عاقبت ما را ختم به خیر فرما تا مانند این مدعیان حوزوی گرفتار چنین چرخش صدوهشتاد درجه‌ای از مسیر ارزش‌های اسلامی و انقلاب اسلامی (میراث خمینی کبیر که تجلی روح اسلام است)، نشویم.

مطالبات:

اولاً: قدرشناسی و سپاس خود را از قوه قضائیه در محاکمه، صدور حکم و اعدام محاربین و مفسدین باغی اعلام و ثانیاً: قاطعانه از مسئولین این قوه می‌خواهیم که با قاطعیتی به‌مراتب بیشتر و راسخ‌تر، حقوق عموم مردم و پاسداری از وحدت ملی را با اعدام عبرت‌آموز محاربین از جمله عوامل شهادت مولوی عزیز عبدالواحد ریگی، استیفا نمایند و صدای اقلیت معلوم‌الحال در داخل کشور که از بلندگوهای غرب پخش می‌شود را صدای اکثریت طالب امنیت نشنوند و ثالثاً: رحمت اسلامی در ممانعت بیش‌ازحد دولت، قوه قضائیه و مسئولین، موجب کاهش تمرکز مسئولین از حل مشکلات عادی مردم و کشور و افزایش حاشیه‌ها می‌شود. زیرا مسئولین با انحراف از مسائل اصلی، سرگرم دفاع از حیثیت ایران و تأمین امنیت مردم خواهند شد. نتیجه قهری آن، گرفتار شدن بیش‌ازپیش مردم صبور و بصیر، به‌ویژه قشر پایین جامعه در تأمین امور معیشتی خواهد بود.

جان سخن: تمام توطئه‌ها، واکنش دشمنان به رشد ایران اسلامی و پیشگیری از قدرت تعیین‌کننده ایران در منطقه و جهان است

۲ دی ۱۴۰۱

مجمع عمومی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

برچسب ها: [اعدام](#) [1]

[اعتراض](#) [2]

[حوزه علمیه](#) [3]

[قوه قضاییه](#) [4]